



جمال الدین جمالی

قواعد فقه اسلامی

اصالة الصّحة

یکی از قواعد و اصول مهمه در فقه اسلامی اصل مشهور اصالة الصّحة است. مراد از این اصل آنستکه اعمال و گفتار هر فرد عاقل و رشیدی در اجتماع اعم از معاملات و تبدلات جاری در بازار و سایر اعمال و گفتار وی حمل بر صحت میشود و در اجتماع آثار يك عمل صحیح و قانونی بر آن مترتب میگردد مگر آنکه فساد کردار یا گفتار ثابت شود بعبارت دیگر کردار و گفتار هر فرد عاقل رشید را اجتماع صحیح میدانند تا فساد آن معلوم گردد چنانچه سیره عقلا در جمیع اجتماعات بشری بر این اصل استوار است زیرا نظام اجتماعی که فلسفه تأسیسی و تشریحی شرایع و قوانین اجتماعی است باعتبار این اصل عقلانی ارتباط مستقیم دارد و اگر در

اجتماعات این اصل معتبر و محترم نباشد نظام اجتماع مختل خواهد شد و بهمن جهت اصل مزبور در شریعت مقدس اسلام معتبر شمرده شده و مبنای بسیاری از تکالیف و احکام آنها می باشد و لذا محکم ترین دلیل فقها به اعتبار اصل اصالة الصحه سیره عقلا و بقای نظام اجتماع می باشد.

محقق بجنوردی در کتاب قواعد الفقیهه میگوید آثار مترتبه بر اصالة الصحه در بقای نظم اجتماعات و استقرار روابط اجتماعی بر مبنای نظامات حاکمه اشد و اعظم از آثار مترتبه بر قاعده می باشد و همچنین حکومت این قاعده بر قاعده استصحاب و اصالة الفساد از مسلمیات در فقه اسلامی بین اصحاب می باشد بنابراین در اثبات اعتبار قاعده مزبور احتیاج بذکر اخبار و آیات نداریم.

پس از فراغت از استدلال بصحت و اعتبار قاعده اصالة الصحه در توضیح و تشریح آن از جهاتی مورد بحث قرار میگیرد.

اول آنکه آیا صحت ناشیه از اصل مزبور در اعمال و گفتار افراد صحت واقعی است یا آنکه صحت باعتبار فاعل می باشد با توجه بمفاد و ادله اعتبار قاعده اعم از اینکه ملاک سیره عقلا یا بقاء نظم اجتماع باشد مراد صحت واقعی است زیرا جمیع افراد اجتماع اعمال و گفتار عاقل و را حمل بر صحت مینمایند و آثار صحت بر آن یار میکنند. کسیکه زن خود را طلاق میدهد یا ملکی را میفروشد اجتماع طلاق آنرا صحیح دانسته و بازن مطلقه معامله زن آزاد مینماید یا آنکه مشتری را مالک ملک دانسته با او معامله مینماید و اگر صحت ناشیه از اصل صحت واقعی نباشد دیگر مفهومی برای حمل بر صحت باقی نماند زیرا آن اجتماع است که فعل شخص عاقل و رشید را حمل بر صحت میکند مانند شك بعد الغراع که عمل مکلف حمل بر صحت واقعی میشود و مسقط تکلیف می باشد مگر آنکه فساد آن بدلیل ثابت شود. بنای عقلا بر همین مبنا مستقر و نظام اجتماع بر این اصل استوار است.

دوم آنکه حکومت اصالة الصحه پس از احراز عنوان عمل می باشد اگر کسی

بداند عمل از او صادر شده ولی نمیداند تحت چه عنوانی از عناوین بوده است مثلاً معامله کرده و نمیداند این معامله تحت عنوان بیع یا اجاره یا هبه یا سایر عقود ناقله بوده است در چنین فرضی اصالة الصحة مورد ندارد ولی هنگامیکه بداند معامله تحت عنوان بیع بوده است ولی تردید و شك در صحت شرایط آن باشد معامله محکوم بصحت است تا فساد آن ثابت شود در اینمورد استصحاب بقای مالکیت فروشنده نمیتواند معارضه با اصالة الصحة بنماید زیرا اصالة الصحة حاکم بر استصحاب است. جای تردید نیست احراز عنوان عمل در اجرای قاعده اصالة الصحة مربوط با عملی است که قصد در آن اعمال معتبر است و باصطلاح از عناوین قصديه میباشد. مانند وضو و غسل و نماز و حج و سایر عبادات. بیع و اجاره و سایر عقود و ایقاعات که هر یک عنوانی خاص دارند و قوام آنها بقصد میباشد و در این گونه امور برای اجرای اصالة الصحة احراز عنوان شرط است مثلاً اگر شخصی عملی بعنوان غسل بجا آورد پس از انجام آن احتمال فقدان جزء یا شرط یا وجود مانعی داد بنابر این بر صحت میگذارد بحکم اصالة الصحة لکن اگر شك و احتمال در قصد بوده باشد باین معنی که نمیداند قصد غسل در هنگام عمل داشته یا نه در این فرض محلی برای اجرای اصل نمیباشد زیرا در عناوین قصديه قصد عنوان بمنزله موضوع اصل میباشد بنابراین اجرای اصل باشك در موضوع معنی ندارد و لذا اگر نماز گزار شك داشته باشد در چهار رکعت نمازی که بجا آورده بقصد نماز ظهر یا عصر بوده در این مورد محلی برای اجرای اصالة الصحة باقی نیست و همچنین هر فعلی از افعال اعم از عبادات یا معاملات که قوام آنها بقصد میباشد.

سوم در اینکه قاعده اصالة الصحة در ابواب معاملات مقدم و حاکم بر اصالة الفساد که عبارت از اصالة عدم نقل و انتقال میباشد خلافی نیست کلام در حدود حکومت قاعده و مورد آنست باین معنی که آیا مورد اجرای اصالة الصحة در ابواب معاملات مطلق است نسبت بعناوین معاملات اعم از نفس عقد و شرایط متعاقدين و عوضین یا

آنکه مورد اجرای اصل نفس عقد است و در شرایط متعاقدين و عوضين اجرا نمیشود یا آنکه مورد آن شرایط متعاقدين و عوضين است و در نفس عقد جاری نمیشود در این صورت سه احتمال در مسئله تصویر و فرض میشود.

یکی آنکه گفته شود اصالة الصحة بطور مطلق در ابواب معاملات جاری است اعم از نفس عقد و شرایط متعاقدين یا عوضين در مقابل اصالة الفساد حاکم است چنانچه احتمال فساد در نفس عقد از لحاظ ماضویت یا تقدم قبول بر ايجاب و امثال اینها برود این احتمالات را اصالة الصحة مردود دانسته و همچنین شك در شرایط متعاقدين از لحاظ رشد یا جهات دیگر که شرعا قانوناً در متعاقدين شرط است بوده باشد پس از تحقق عنوان مردود است و معامله محکوم بصحت میباشد تا فساد آن معلوم گردد. دوم آنکه گفته شود اصالة الصحة فقط در نفس عقد است و در شرایط متعاقدين اجرا نمیشود و مورد اجرای آن تنها در نفس عقد میباشد.

سوم آنکه اجرای اصل نسبت به شرایط عوضين و متعاقدين است و نسبت به نفس عقد جاری نیست اینها احتمالاتی است که در مورد اجرای اصالة الصحة موجود است در ابواب معاملات لذا برای شناختن مورد اجرای اصالة الصحة که کدام يك از فروض و احتمالات نام برده میباشد ناچار باید بمدرك و دليل اعتبار قاعده رجوع شود بعضی ملاك قاعده را اجماع دانسته اند. در اعتبار قاعده دو اجماع موجود میباشد یکی اجماعی است که قائم با اجرای اصالة الصحة در عبادات و معاملات میباشد و دیگر اجماعی که در خصوص ابواب معاملات قائم است. مفادهيچيك از دو اجماع که در مسئله قائم است مورد اجرای آنرا تعيين نکرده و باصطلاح مقعد اجماع کدام يك از احتمالات فوق میباشد معلوم نیست فقط اعتبار اجرای اصالة الصحة در معاملات و عبادات از اجماع مستفاد میشود و به اصطلاح اجماع در مسئله دليل لبي است. در این صورت ناچار از اخذ بقدر متيقن از اجماع میباشدیم که نفس عقد است و نسبت بموارد خلاف که شرایط متعاقدين با شرایط عوضين است اصالة الصحة

جاری نمیشود چنانچه بعضی از اساتید و فقهاء متأخر این احتمال را تقویت نمودند. بعضی دیگر که اعتبار اصالة الصحة و حکومت آنرا سیره عقلا در اجتماعات بشری میدانند مضافا باجماع محقق ناچار باید از حدود قیام سیره در عرف تبعیت کنند. آیا حد اجرای اصالة الصحة در مقابل اصالة الفساد مقید است بیکی از احتمالات متصوره در فوق. یا سیره مردم در حکم بصحت اعمال و گفتار مطلق است و مقید بقسمتی از آنها نیست مثلا اگر کسی ملکی فروخت عرف میگوید فروخته است و یا مشتری را مالك میدانند و هنگامیکه عنوان بیع تحقق یافت آن معامله را که از فرد عاقل و رشید صادر شده جدی و صحیح تلقی مینمایند. محقق بجنوردی میگوید بنا بر آنچه ذکر شد در هر موردی که در معاملات موضوع و عنوان عقدی از عقود تحقق یافت اصالة الصحة حاکم بر آن است و اگر شك در صحت و فساد آن عنوان با احتمال فقد شرط یا وجود مانعی بشود اصالة الصحة مقدم بر اصالة الفساد است ولی اگر شك در تحقق اصل صحت عنوان باشد اصل جاری نیست زیرا اجرای اصل صحت فرع بر تحقق وجود موضوع میباشد و مادام که موضوع محقق نشده و محلی برای جریان اصالة الصحة نیست بنا بر این پس از تحقق عنوان در ابواب معاملات یکمرتبه شك در صحت و فساد عقد که سبب است میباشد دیگر شك در مسبب که بمعامله مورد نظر میباشد مانند بیع یا صلح یا هبه که واقع شده اگر شك در صحت و فساد و عقدی که واقع شده باشد در اجرای اصالة الصحة تردیدی نیست بشرط آنکه شرط یا مانع متحمل الوجود دخیل و مؤثر در تحقق عنوان نباشد که در این صورت مرجع شك بتحقیق وعدم تحقق عنوان است که موضوع اصل میباشد بطوریکه گفته شده در اینصورت محلی برای اجرای اصالة الصحة نیست.

و اما اگر شك در صحت و فساد مسبب باشد که معامله مورد نظر است بجهت احتمال خللی در شرایط متعاقبین و عوضین پس از وقوع اصالة الصحة جاری است و معامله محکوم بصحت است تا فساد آن معلوم شود.

آرزوی ما

آرزوی مجله اینست که مورد پسند خوانندگان دانشمندان خود واقع گردد و لی ما هنوز می‌توانیم ادعا کنیم که مقالات آن را چون کاغذ زردست بدست میبرند و با قصب‌الجیب حدیثی را چون نیشکر میخورند، بهین دلخوشیم که دستدارانی دارد که انی گرفته بر غیبت و با مهر و تحطوف می‌کشایند و بر صفحات آن نظری کنند، ولی این برای حصول مقصود ما کافی نیست بلکه انتظار داریم که زمره دانشمندان حقوق و قضاء فحل و وکلای مبرز کشور با ارسال مقالات عمیق و طرح مسائل نوین یاری کنند و جامعه تشنگان را از زلال دانش و بینش خود برخوردار سازند که هر سینه نگهداشتن معلومات نه برای خود شخص و نه برای جامعه سودی ندارد، نسخه‌ها و صفحات مجله گواهی میدهند که مصدیان این خدمت سهم معینی از انتشارات فرهنگی ایران را بر عهده گرفته و از سعی و مجاهدت دریغ نداشته‌اند و برای تحکیم مبانی مقصود امیدوارند که آقایان قضاة و وکلای محترم و صاحبان قلم با بحث و انتقاد از کیفیات و نتایج قوانین و روش قضائی و مباحث علمی دیگر با مجله یاری و همکاری فرمایند مخصوصاً به ملاحظه و انتقاداتی که ذوق و استعداد دارند و برای فردای ما آماده میشوند فرصت و امکان ظهور و بلوغ میدهند.

اگر ما بتوانیم کاری کنیم که هر کس بعد از خواندن این مجله دلائل جدیدی برای توسعه داشتن و ظرافت خود، مین خود، پادشاه خود، قوانین خود بدست بیاورد و در هر مقام و مرتبه‌ای که هست خوشبختی خود را احساس کند خودمان را خوشبخت‌ترین افراد میدانیم.